

ارزیابی جایگاه سازمان همکاری شانگهای در ارتقاء امنیت منطقه ای ایران

دکتر هادی اعظمی (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد)

علی اکبر دبیری (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد)

چکیده

سازمان همکاری شانگهای یک سازمان چند نقشی است که دو بعد امنیتی و اقتصادی آن اهمیت بیشتری دارد. همچنین حضور دو قدرت اتمی چین و روسیه، وزن ژئوپلیتیکی قابل توجهی به آن بخشیده است. ایران، که در حال حاضر عضو ناظر این سازمان به شمار می آید، دارای محیط امنیتی ناپایداری است و خاورمیانه و جنوب غربی آسیا که به کمربند شکننده معروفند، گرفتار رقابت های منطقه ای و برون منطقه ای هستند. همچنین ایران دارای منابع تنش و تهدید متعددی با همسایگان و قدرت های فرامنطقه ای است. پانزده کشور همسایه ایران، همگی دارای نوعی ضمانت امنیتی و چتر حمایتی توسط یک ابر قدرت و یا سازمان امنیتی هستند، در این میان تنها ایران است که فاقد یک چتر حمایتی و متحد منطقه ای یا فرامنطقه ای است. به علاوه، بعد از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، بر شدت فشارهای آمریکا در محیط امنیتی ایران افزوده شده است. در حال حاضر تنها منطقه ای از محیط پیرامونی ایران که آمریکا در آن دارای قدرت بلامنزاع نیست، منطقه آسیای مرکزی است. به نظر می رسد ایران می تواند با عضویت در سازمان همکاری شانگهای و با کمک گرفتن از روسیه و چین که به شدت مخالف حضور آمریکا در منطقه آسیای مرکزی هستند، از کامل شدن محاصره استراتژیک خود توسط آمریکا جلوگیری کرده و نوعی چتر امنیتی برای خویش ایجاد کند. در این مقاله سعی شده است، ضمن بررسی محیط امنیتی ایران، نقش سازمان همکاری شانگهای در ایجاد نوعی چتر حمایتی برای ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

کلید واژه ها: سازمان همکاری شانگهای، ایران، محیط امنیتی، آسیای مرکزی، خاورمیانه.

مقدمه

منطقه گرایی معادل کلمه لاتین رژیونالیسم است که از لغت regionalism (رژیونالیسم) به معنای «منطقه» و پسوند ism به معنای «گرایش» و «اعتقاد» ترکیب شده است. مراد از این اصطلاح در ادبیات روابط بین الملل تشکیلات و اجتماعاتی است که مرکب از حداقل سه واحد سیاسی باشد (کاظمی، ۱۳۷۰: ۱۰۳). در ادبیات روابط بین الملل، رژیونالیسم هنگامی کاربرد دارد که دولت های واقع در یک منطقه جغرافیایی که دارای علائق مشترک هستند از طریق سازمان های منطقه ای با یکدیگر همکاری های نظامی، سیاسی و اقتصادی داشته باشند (علی بابایی، ۱۳۷۲: ۱۳۲). در چهار چوب یک منطقه، می توان سازگاری راه حلهای بین المللی با مشکلات واقعی را هوشیارانه به انجام رساند و تعهدات کشورها نسبت به یکدیگر می تواند به نسبت های قابل اداره محدود شود و از طریق قیدهای آشکار متقابل لازم الاجرا گردد (کلود، ۱۳۸۲: ۱۲۵). بنابراین همانطور که در جامعه ملی هیچ فردی نمی تواند به تنهایی به قدرت سیاسی دست یابد و به ناچار باید در پناه یک حزب جایگاهی در معادلات سیاسی پیدا کند، یک کشور هم نمی تواند به تنهایی

در معادلات قدرت جهانی جایگاهی پیدا کند. از این رو، منطقه گرایی خود را بر همه کشورها تحمیل می کند و در این میان، کشورهایی موفق خواهند بود که با تمهیدات لازم به استقبال آن رفته و قدرت خود را درون یک تشکل منطقه ای تعریف کنند (نقیب زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۱). جمهوری اسلامی ایران نیز اگرچه در سالهای نخست انقلاب خود را از پیمان های امنیتی و منطقه ای کنار کشید، اما با وارد آمدن فشارهای سیاسی-نظامی، اقتصادی و ناپایداری محیط امنیتی اش به تدریج متوجه این نکته شد که برای مقابله با اینگونه فشارها نیازمند ائتلاف های منطقه ای با کشورها همسایه و قدرت های منطقه ای براساس منافع و تهدیدات مشترک است. تصمیم به پیوستن به «سازمان همکاری شانگهای» (به عنوان نخستین سازمان منطقه ای با خصوصیات امنیتی که ایران بعد از انقلاب خواهان پیوستن به آن است) نیز در این راستا صورت پذیرفته است.

بیان مسئله

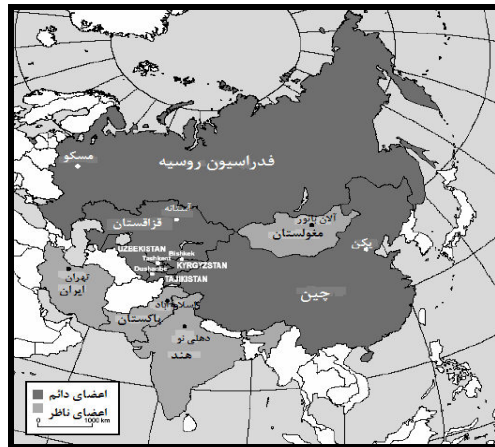
در دهه ۱۹۹۰ موج گسترده فعالیت علمی درباره منطقه و منطقه گرایی و علاقه آن پدیدار شد. همزمان آگاهی از امکانات متعدد همکاری منطقه ای و نهاد سازی افزایش یافت. گرایش های متعددی نیز در همه بخش های جهان به جستوجو برای یافتن مکانیسم های همکاری در حوزه های سیاسی و امنیتی وجود داشت. (اسمیت، ۱۳۸۱: ۲۹). این همکاری ها در سال های اخیر از اهمیت بیش تری برخوردار شده اند. گروه بندی ها و اتحادهای کشورها نه تنها در توسعه اقتصادی بلکه در کسب ثبات و امنیت نیز نقش بسیار به سزایی ایفا می کنند (رحمان، ۱۳۸۵: ۱۲۱). از سوی دیگر فروپاشی بلوک بندی های گذشته این اندیشه را تقویت کرده است که سازمان های منطقه ای، بلوک بندی های قرن بیست و یکم را تشکیل می دهند (عزتی و یزدان پناه درو، ۱۳۸۶: ۷۸). به همین دلیل منطقه گرایی جدید و سازمان های منطقه ای به یکی از شاخص ها یا مهم ترین شاخص نظام بین الملل تبدیل شده است. ایران نیز به دلیل موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و ویژگی های محیط امنیتی اش نیازمند منطقه گرایی و تشکیل سازمان های منطقه ای با کارکرد های مختلف سیاسی، امنیتی و اقتصادی است. در واقع ایران کشوری ذاتاً بین المللی است و تحقق و پیشبرد منافع ملی این کشور در گرو استراتژی ائتلاف و اتحاد با قدرت های بزرگ منطقه ای و فرامنطقه ای بوده است (سریع القلم، ۱۳۸۰). در این میان تشکیل سازمان همکاری شانگهای به مرکزیت یکی از حوزه های ژئوپلیتیکی پیرامون ایران (آسیای مرکزی) فرصتی را در اختیار این کشور قرار داده است که با استفاده از پتانسیل های مختلف این سازمان در حوزه های مختلف سیاسی، امنیتی و اقتصادی (انرژی) خود را از انزوای ژئوپلیتیکی برهاند و شرایط سیاسی-امنیتی خود را بهبود ببخشد.

روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر استدلال می باشد. روش جمع آوری داده ها و اطلاعات نیز با استفاده از روش های گوناگون و به طور کلی بر مبنای روش کتابخانه ای است. ضمن اینکه در این پژوهش تلاش شده است تا برای درک و فهم بهتر مطالب به اندازه کافی از نقشه استفاده شود.

۱- نقش و اهمیت سازمان همکاری شانگهای

سازمان همکاری شانگهای^۱ (SCO) یک پیمان منطقه‌ای است که قلمرو جغرافیایی وسیعی را در حیطه قاره اوراسیا در بر گرفته است. نطفه اولیه این سازمان مربوط به توافقات مرزی بین شوروی و چین است. این توافق به دلیل فروپاشی شوروی با وقعه ای ۱۵ ساله همراه شد، اما در تاریخ ۲۶ آوریل سال ۱۹۹۶ پنج کشور روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در شهر شانگهای چین تصمیم گرفتند که به منظور تقویت اعتماد نظامی در نواحی مرزی خود تشکلی تحت عنوان «پیمان شانگهای» پنج را تشکیل دهند (واعظی، ۱۳۸۶: ۷). با عضویت ازبکستان در سال ۲۰۰۱ این پیمان به سازمان همکاری شانگهای تغییر نام داد. در سومین مرحله پذیرش هند، ایران، پاکستان و مغولستان به عنوان اعضای ناظر به آن پیوستند. مغولستان در سال ۲۰۰۴، و سه کشور دیگر در سال ۲۰۰۵ به عضویت ناظر سازمان همکاری شانگهای پذیرفته شدند (خانی، ۱۳۸۵: ۵۶-۵۷).



نقشه شماره ۱: کشورهای عضو و ناظر سازمان همکاری شانگهای (Olderg, ۲۰۰۷: ۴)

از دلایل اهمیت منطقه ای و بین المللی سازمان همکاری شانگهای می توان به موارد زیر اشاره کرد:
۱- این سازمان دو قطب بزرگ اقتصادی و سیاسی جهان را در کنار هم گرد آورده است.

^۱ - Shanghai Cooperation Organization

- ۲- سازمان همکاری شانگهای قابلیت تبدیل شدن به بلوک اقتصادی، سیاسی و امنیتی بزرگی را دارد و بسیاری از تحلیلگران این سازمان را در راستای ظهور یک قدرت جدید و در مقابل بلوک غرب ارزیابی می کنند، به خصوص آنکه اعضای قدرتمندان (روسیه- چین) خواستار نظامی چند قطبی هستند.
- ۳- گردآوری سه حوزه تمدنی بودایی، ارتدوکسی و اسلامی در زیر یک پرچم همگرایی که در خود جایی برای حوزه تمدنی انگلوساکسونی ندارد.
- ۴- برخورداری از ژئوپلیتیک هارتلند و موقعیت ژئواستراتژیکی.
- ۵- اعضای سازمان در زمینه همکاری انرژی مکمل خوبی برای یکدیگر محسوب می شوند، زیرا بزرگترین تولیدکنندگان، دارندگان و مصرف کنندگان انرژی و همچنین مهم ترین مسیرهای انتقال انرژی در اختیار اعضای این سازمان می باشد.
- ۶- این سازمان بخش اعظم بلوک بندی هسته ای را در خود جای داده است؛ چین و روسیه به عنوان اعضای اصلی و هند و پاکستان به عنوان اعضای ناظر دارای قدرت اتمی می باشند.
- علاوه بر اینها این سازمان می تواند فرصتهایی مانند کاهش خطر رویارویی بین اعضا و دستیابی به امنیت منطقه ای در برابر تهدیدهای پیرامونی (کامران و کریمی پور، ۱۳۸۱: ۴۴)، امنیت سیاسی، قدرت چانه زنی و نقش تربیونی (امینی، ۱۳۸۸: ۲۶-۳۱) را برای اعضا فراهم آورد.

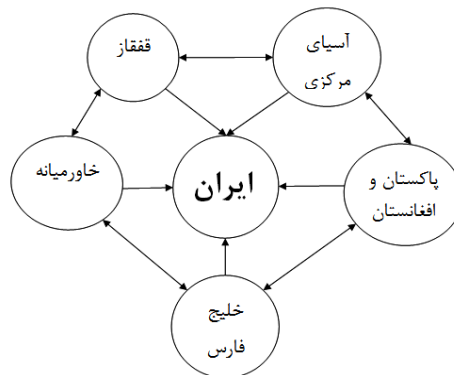
۲- ویژگی های محیط امنیتی^۱ ایران

مبنای تجزیه و تحلیل امنیت ملی در «مطالعات جهان سوم» برپایه سه مؤلفه اساسی قرار دارد که عبارت اند از: «محیط امنیتی»، «ابعاد سخت افزاری امنیت» و «ابعاد نرم افزاری امنیت». در این میان محیط امنیتی محل رویش و پیدایش تهدیدات و فرصت ها می باشد (عصاریان نژاد و عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۱۳۲). به محیط پیرامونی یک کشور که دارای مؤلفه های امنیتی شده و این شاخص ها در آن محیط کارکرد پیدا می کند محیط امنیتی می گویند. به عبارت دیگر محیط امنیتی بخشی از فضاها پیرامونی یک کشور را شامل می شود که هر نوع کارکرد مؤلفه های امنیتی در آن، امنیت و منافع ملی آن کشور را تحت تأثیر قرار می دهد. در فضای محیط امنیتی باید شرایط موجود، اهداف، تهدیدها، فرصت ها و راهکارها مورد بررسی قرار گیرد. اساساً زمانی که بحث محیط مطرح می شود، منظور وجود یک سری محدودیت هایی است که پیش روی تصمیم گیرندگان و سیاست گذران یک کشور وجود دارد (دورتی و دیگران، ۱۳۷۴: ۱۲۵). محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران شامل ۵ منطقه ژئوپلیتیکی^۱ خاورمیانه، خلیج فارس، آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی و شبه قاره (افغانستان و پاکستان) می باشد و ایران سرپل و حلقه اتصال این مناطق با یکدیگر به شمار می آید

^۱ - Security Environment

^۱ - Geopolitical Region

(نمودار شماره ۱). در هریک از این مناطق مسائل و مشکلات امنیتی متعددی وجود دارد که محیط تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما میزان و شدت تهدیدات امنیتی در هریک از این مناطق با توجه به حیات سیاسی - اقتصادی و وابستگی ایران به این مناطق متفاوت می‌باشد. در واقع شواهد موجود نشان می‌دهد که ایران در یک محیط بحرانی قرار دارد. فضای سیاست خارجی و منطقه‌ای ایران با نشانه‌هایی از بحران و تهدید پیوند یافته است (متقی، ۱۳۸۸: ۶۵).



نمودار شماره ۱: محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران (رضایی، ۱۳۸۴: ۲۶۲)

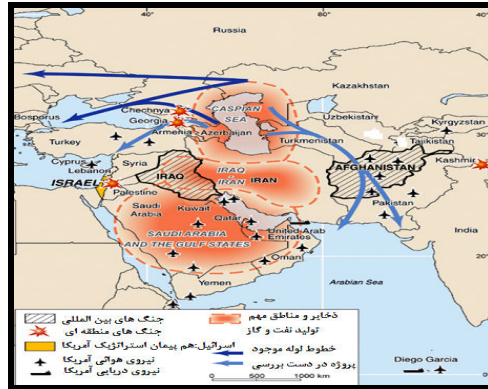
به طور کلی ویژگی‌های محیط امنیتی ایران به شرح زیر است:

- فقدان هم‌پیمان استراتژیک در سطح منطقه و عدم عضویت در پیمان‌های نظامی - امنیتی.
- وجود پایگاه‌های نظامی متعدد در کشورهای همسایه و استقرار نیروهای نظامی آمریکا در این کشورها و همچنین انجام و انعقاد مانورها و پیمان‌های نظامی با آنها.
- وجود گروهک‌های تروریستی در حواشی و مناطق مرزی کشور (جندا...، خلق عرب، پژاک...).
- بودن پیمان‌های استراتژیک میان کشورهای همسایه با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (سازمان‌های امنیتی و متحد‌های استراتژیک) و گسترش رقابت‌های تسلیحاتی در محیط امنیتی ایران.
- وجود اقلیت‌های فضایی و اکولوژیک (کشورهای چندملیتی). بیش‌تر واحدهای سیاسی اطراف ایران دارای اقلیت‌های قومی و مذهبی می‌باشند.
- در اختیار داشتن موقعیت مرکزی و حلقه ارتباط ۵ حوزه ژئوپلیتیکی خاورمیانه، خلیج فارس، شبه‌قاره، آسیای مرکزی و قفقاز.
- تجمع دولت‌های شکننده^۱ در محیط امنیتی ایران (افغانستان، پاکستان، عراق و ..).
- حضور ناتو در حوزه‌های ژئوپلیتیکی پیرامون کشور (آسیای مرکزی، عراق، افغانستان و ...).

^۱ - Failed State

- درگیری ها و اختلافات مرزی و ارضی در محیط امنیتی ایران. از جمله این اختلافات می توان به اختلاف میان هند و پاکستان در مورد کشمیر، اختلاف میان ارمنستان و آذربایجان بر سر قره باغ، عدم تعیین مرزهای دریایی در خلیج فارس، تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و بسیاری از موارد دیگر اشاره کرد .
- وقوع جنگ ها و درگیری های داخلی و بین المللی (فلسطین - اسرائیل، عراق - ایران، عراق - کویت، عراق - آمریکا، ارمنستان - آذربایجان، طالبان - آمریکا و همچنین درگیری های داخلی در کشورهای پاکستان، افغانستان، عراق، یمن، تاجیکستان و.....).
- تعدد کودتاها، حکومت های میلیتاریستی و انقلاب های رنگی (قرقیزستان، گرجستان و...) در واحدهای سیاسی پیرامون ایران.
- شیوع بنیادگرایی اسلامی، درگیرهای مذهبی و تروریسم بین الملل به خصوص در کشورهای عربستان، پاکستان، افغانستان و عراق، همچنین تجمع دولت های غیر دموکراتیک و در حال توسعه.
- همسایگی با بزرگ ترین تولید کننده مواد مخدر جهان و همچنین مهم ترین مسیرهای ترانزیت مواد مخدر.
- قرارگیری در قلب جهان اسلام.
- دولت های نوپا (هیچ یک از واحدهای سیاسی اطراف ایران بیش از یکصد سال از تشکیل شان نمی گذرد) و تعدد کشورهای همسایه، به طوری که ایران بعد از روسیه و در کنار چین با ۱۵ همسایه دارای بیشترین تعداد همسایه در جهان می باشد(کریمی پور، ۱۳۷۹: ۲۲) .
- تمرکز ذخایر فسیلی در محیط امنیتی ایران، به طوری که بیش از ۶۵ درصد از منابع نفتی جهان در خلیج فارس قرار دارد و همچنین قرار گیری ایران در بیضی استراتژیک انرژی میان خلیج فارس و دریای خزر.
- همانطور که مشاهده می شود ویژگی های محیط امنیتی ایران بیش تر از نوع چالش و تهدید محسوب می گردند. علاوه بر این، بعد از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر و افزایش حضور و نفوذ ایالات متحده در محیط امنیتی ایران مخصوصاً آسیای مرکزی، شبه قاره و خاورمیانه، فشارهای امنیتی - سیاسی بر ایران دو چندان گشته است. امریکا، به علت تعقیب منافع خویش و نیز ادراک خاصی که نسبت به رفتار ایران در صحنه بین المللی داشته و دارد، ایران را به عنوان یک قدرت منطقه ای تلقی می نماید که عرف بین المللی را دائماً نقض نموده و منافع آمریکا و متحدان آن را تهدید می نماید (درویشی سه تلانی، ۱۳۸۴: ۱۳). بر همین اساس به نظر می رسد که جمهوری اسلامی ایران، به دلیل روابط متشنج خود با آمریکا، نارضایتی از نظام بین الملل و همچنین تحول ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک مناطق پیرامونی اش، از جمله کشورهایی باشد که در سطح بین المللی و منطقه ای با تهدیدات جدی مواجه شود (قاسمی، ۱۳۷۹: ۱۰۶) و این مسلم است. آمریکا از تمام نقاط ضعف و تهدیدات داخلی و خارجی و فرصت هایی که دارد برای رویارویی با

ایران بهره جسته و در همه مؤلفه های امنیت ملی، تهدیداتی را متوجه ایران می کند. در واقع محیط امنیتی ایران و حوزه های ژئوپلیتیکی پیرامون این کشور به شدت تحت تأثیر قدرت های فرامنطقه ای قرار دارند.

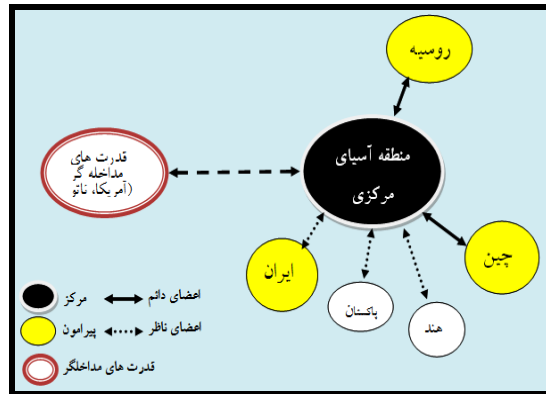


Source: نقشه شماره ۲: بخشی از ویژگی های محیط امنیتی ایران

www.informationclearinghouse.info

۳- تحلیل منطقه ای

درک سیاست گذاران امنیتی کشورها از چگونگی محیط امنیتی خویش از مقتضیات اولیه تدوین سیاست های امنیتی از جانب آنها می باشد. محیط امنیتی ایران مثل دیگر کشورهای در حال توسعه، در حال ورود به دوران کم نظیری است که مشخصه اساسی اش عدم پیش بینی سمت و سوی آینده آن است (درویشی سه تالانی، ۱۳۸۴: ۱۷). منطقه آسیای مرکزی نیز که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در جناح شمال خاوری ایران شکل گرفت، بخشی از محیط امنیتی ایران را شکل می دهد. وجود مرزهای طولانی آبی-خاکی ایران با کشورهای این منطقه باعث تأثیر پذیری زیاد امنیت ملی ایران از شرایط و ویژگی های حاکم در این منطقه شده است. از آنجایی که هر سیستم منطقه ای متشکل از سه بخش «مرکز»، «پیرامون» و «قدرت مداخله گر» است (قاسمی، ۱۳۷۹: ۱۱۵) سیستم منطقه ای آسیای مرکزی نیز شامل مرکز (کشور های آسیای مرکزی) پیرامون (چین، روسیه و ایران) و قدرت های مداخله گر (آمریکا، ناتو) می باشد. این منطقه به عنوان هارتلند سازمان همکاری شانگهای حلقه ارتباط ایران با دو عضو قدرتمند این سازمان (چین و روسیه) نیز به شمار می آید.



شکل شماره ۱: موقعیت آسیای مرکزی در سیستم منطقه ای و سازمان همکاری شانگهای (ترسیم از نگارندگان)

بنابراین منافع و تهدیدات مشترک در این منطقه بستری برای همکاری اعضای سازمان همکاری شانگهای می باشد. در واقع مؤلفه های امنیتی مشترک بین ایران و سایر اعضای سازمان همکاری شانگهای می تواند بستری برای همکاری ها و هماهنگی های امنیتی اعضای این سازمان به شمار آید. به طور کلی تهدیدات ایران و اعضای سازمان همکاری شانگهای در آسیای مرکزی شامل تهدیدات منطقه ای و فرامنطقه ای می باشد که عبارت اند از:

۱-۳- قاچاق مواد مخدر

مسئله قاچاق مواد مخدر و شرارت های ناشی از آن از جمله چالش های مشترک ژئوپلیتیکی برای ایران و اعضای سازمان همکاری شانگهای به شمار می رود. ایران در مسیر دو منبع تولید (افغانستان) و مصرف (اروپا) مواد مخدر قرار دارد. تک جداره بودن، کوتاهی مسیر و وجود فضاهای خالی نیز بخشی از امتیازات مسیر ایران است. (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۱۵۱). مسیر گذر مواد مخدر از افغانستان از مسیر مرزهای شرقی به سوی ترکیه و تا اندازه ای در مسیر شمال، به سمت ترکمنستان (آسیای مرکزی) انجام می گیرد (زرقانی، ۱۳۸۷: ۱۵۵). اهمیت جاده شمالی ایالات کوهستانی مستقل بدخشان و دره فرغانه^۲ به خصوص بعد از آن که ایران تلاش های بسیاری برای مبارزه با تجارت مواد مخدر انجام داد در حال افزایش است. امروزه تخمین زده می شود ۶۵ درصد مواد تولید شده در افغانستان از طریق کریدور آسیای مرکزی حمل می گردد (سوری، ۱۳۸۶: ۳۹). موقعیت جغرافیایی ایران و کشورهای آسیای مرکزی که در همسایگی و مسیر ترانزیت بزرگ ترین کشور تولید کننده مواد مخدر جهان قرار گرفته اند باعث شده که این کشورها در مقابل یک تهدید مشترک ژئوپلیتیکی واقع شوند. با این حال مواد مخدر تولید شده در افغانستان از چند مسیر به اروپا ترانزیت می شود. یکی از مسیر های عمده قلمرو کشورهای آسیای مرکزی به روسیه و از آنجا به کشورهای اسکاندیناوی می باشد.

^۲ - Fergana valley

۲-۳- رشد بنیادگرایی اسلامی و بحران های قومی

بررسی اجمالی پنج کشور واقع در منطقه آسیای مرکزی نشان دهنده این است که در این منطقه سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان به نسبت دو کشور قزاقستان و ترکمنستان مشکلات بیش تری را در رابطه با رشد رادیکالیسم دینی داشته اند. در بین سه کشور فوق نیز دره فرغانه واقع در مرز مشترک تاجیکستان، ازبکستان، و قرقیزستان منطقه مرکزی فعالیت های گروه های اسلام گرامی باشد. علاوه بر این منطقه سغدی^۳ و خجند^۳ در شمال تاجیکستان و اوش^۴ در جنوب قرقیزستان نیز از دیگر مراکز عمده فعالیت گروه های اسلام گرا در سطح منطقه آسیای مرکزی می باشد (شکاری، ۱۳۸۵: ۱۱۶). رادیکالیسم دینی و افراط گرایی اسلامی در منطقه آسیای مرکزی به سه علت برای ایران چالش آفرین خواهد بود: نخست آنکه، از آنجایی که حکومت جمهوری اسلامی ایران حکومتی دینی و ایدئولوژیک می باشد و دارای اهداف مذهبی و اعتقادی است، وجود و ظهور گروه های اسلامی رادیکال و خشونت طلب در منطقه آسیای مرکزی و اقدامات تروریستی آنان، وجهه حکومت مذهبی و اسلامی ایران را خدشه دار می کند که این امر با تبلیغات منفی کشورها و رسانه های غربی تشدید می شود. دوم آنکه اغلب این گروه های خشونت طلب در منطقه دارای عقاید تکفیری و پیرو مذهب وهابیت می باشند (طالبان) که معمولاً در کشورهای پاکستان و عربستان آموزش دیده اند و دارای عقاید ضد شیعی هستند و شیعیان را به مثابه کافران می پندارند. وجود این گروه های ضد شیعی در مجاورت ایران که در آن حکومت و اکثریت مردم شیعه مذهب می باشند پیامد های منفی امنیتی را برای این کشور به همراه خواهد داشت. در نهایت این که حرکت ها و رفتارهای این گروه های تندرو اسلامی باعث فاصله گرفتن رهبران کشورهای آسیای مرکزی از اسلام و شکل گیری حکومت های سکولار به شکل غربی در منطقه شده است که این امر نیز برای حکومت دینی و مذهبی ایران چندان خوشایند نمی باشد.

علاوه بر افراط گرایی اسلامی، قوم گرایی یکی دیگر از مهم ترین معضلات این جمهوری ها می باشد که این امر موجب ستیزه جویی های سیاسی در داخل این جمهوری ها و تأثیرات آن بر کشورهای همسایه از جمله ایران می شود (شربانی، ۱۳۸۸: ۳۰۱). علاوه بر ایران، دو کشور روسیه و چین نیز به دلیل ساختار قومی و مذهبی و در اختیار داشتن گروه های عمده ای از مسلمانان به شدت از شکل گیری و شیوع بنیادگرایی اسلامی و بحران های قومی در منطقه آسیای مرکزی احساس خطر می کنند. در واقع مناقشات قومی و مذهبی به تخریب بسیاری از ساختارهای اقتصادی و صنعتی، رشد و شیوع جرایم سازمان یافته و مهم تر از همه بی ثباتی سیاسی در منطقه منجر شده است. از طرف دیگر، این منازعات عموماً ملی گرایی قومی را در قالب یک ایدئولوژی ترویج خواهد داد و در نتیجه تمام این عوامل باعث ناپایداری محیط امنیتی کشور های مجاور با این منطقه یعنی ایران، روسیه و چین خواهد شد.

^۳ - Sughd^۳ - Khujand^۴ - Osh

۳-۳- حضور آمریکا و ناتو^۱ در آسیای مرکزی

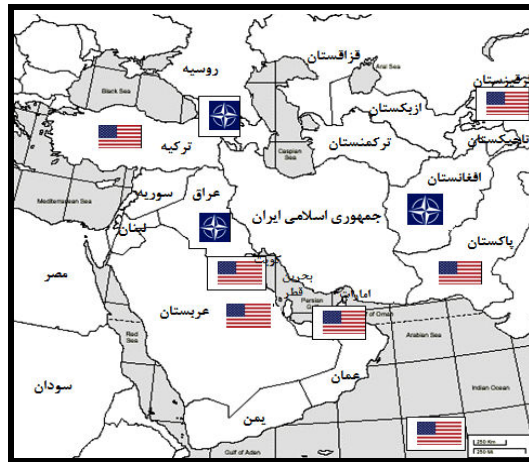
سقوط اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری های سابق آن یعنی قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان را قادر ساخت تا حاکمیت ملی خود را به دست آورند. موقعیتی که برای ناتو امکان مطلوب بلند مدت وارد کردن آنها در حوزه منافع خود را به ارمغان آورد. اولین دلیل تمایل همکاری با آسیای مرکزی خواست ناتو برای انجام هرگونه فعالیت جهت جلوگیری از بروز تهدیدات امنیتی و ثبات منطقه ای بوده است. موقعیت استراتژیک کشورهای آسیای مرکزی در نزدیکی به مرزهای افغانستان، به دلیل عملیات «نیروهای بین المللی کمک به امنیت» توجه خاص ناتو را به این کشورها موجب شده است. به علاوه موقعیت ژئوپلیتیک آسیای مرکزی که بین روسیه و چین واقع شده به ناتو فرصتی برای اجرای بهتر سیاست هایش در مقابل این دو قدرت جهانی می دهد (جانوس، ۱۳۸۶: ۱۰۶-۱۰۷). به همین دلیل روسیه و چین به شدت مخالف حضور نیروهای فرمانطقه ای در محیط پیرامونی خود می باشند و نسبت به حضور آنها واکنش شدیدی نشان می دهند. حضور ناتو در مناطق پیرامونی ایران (آسیای مرکزی) تهدیداتی را برای این کشور نیز به دنبال دارد که مهمترین این تهدیدات عبارت اند از:

— کم شدن فاصله سرزمینی نیروهای آمریکا و ناتو با جمهوری اسلامی ایران و امکان بهره برداری از آن در مواقع بحرانی.

— کاهش حضور و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در کشور های منطقه و کم شدن قدرت مانور ایران در این کشورها.
— تهدید منافع و امنیت ملی ایران از طریق بهره برداری از اختلاف نظرهای موجود میان کشورهای منطقه، به ویژه در زمینه تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و راندن این کشورها به سوی نظامی گری در این دریا.
— تداوم و تحکیم عملیات اعضای اصلی ناتو به بهانه های مختلف در کنار کشور مان (برگزاري مانور نظامی با حضور یک یا چند عضو اصلی ناتو با کشور های همسایه ایران).

— تعیین ساختار امنیت منطقه ای بدون مشارکت ایران (جاویدنیا، ۱۳۸۲: ۱۶۶). بنابراین حضور نیروهای ناتو و آمریکا در منطقه آسیای مرکزی یکی از بزرگ ترین تهدیدات امنیتی برای ایران و دو عضو قدرتمند سازمان همکاری شانگهای یعنی روسیه و چین به شمار می آید. البته این امر برای ایران بسیار شدیدتر و خطرناک تر است، به طوری که آمریکا و ناتو در تمام حوزه های ژئوپلیتیکی پیرامون ایران حضور مستقیم دارند و از فشارهای امنیتی منطقه ای برای کاهش توانایی و قابلیت های ایران استفاده می کنند (نقشه شماره ۳).

^۱ - North Atlantic Treaty Organization (NATO)



نقشه شماره ۳: حضور آمریکا و ناتو در محیط امنیتی ایران (ترسیم از نگارندگان)

۴- جایگاه سازمان همکاری شانگهای در ارتقای امنیت منطقه ای ایران

هر مطالعه ای پیرامون امنیت در یک منطقه باید در درجه نخست منابع تهدید نسبت به منافع اقتصادی یا کارکرد سیاسی در آن منطقه را شناسایی کند (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۱۰۷). با در نظر گرفتن این حقیقت که مهم‌ترین منابع تهدید در محیط امنیتی ایران و مخصوصاً منطقه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی ناشی از حضور ایالات متحده و فشارهای امنیتی آن برای کاهش توانایی‌ها و قابلیت‌های ایران است، یکی از روش‌های مؤثر برای ایجاد شکاف در قدرت هژمونیک آمریکا آن است که زمینه برای ظهور ائتلاف‌های جدید فراهم گردد. هرگاه کشورهای منطقه ای بتوانند به قابلیت لازم برای همبستگی ایدئولوژیک، منافع مشترک و همچنین همگامی تاکتیکی دست یابند، طبعاً زمینه‌های لازم برای ائتلاف سازی نیز فراهم خواهد شد. به طور کلی، ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیازمند «دیگری» فرهنگی، سیاسی و بین‌المللی می‌باشند. کشورهای که فاقد قابلیت غیریت سازی باشند، و یا این که از توانایی لازم برای متمرکز سازی قدرت و انرژی کشورهای متحد جهت دستیابی به هدف خاصی برخوردار نباشند، قادر نخواهند بود با نیروهای بین‌المللی و منطقه ای هژمون موازنه نمایند. بنابراین «ائتلاف سازی» را می‌توان گامی در جهت ایجاد نظم منطقه‌ای دانست. در شرایطی که آمریکا تلاش می‌کند تا نظم منطقه ای را بر اساس نشانه‌های از قدرت بین‌المللی خود سازماندهی نماید، طبیعی است که تحقق اهداف ایران صرفاً از طریق فضای منطقه ای امکان پذیر خواهد بود (متقی، ۱۳۸۵: ۱۴۱-۱۴۰). در واقع استفاده از نهادها و سازمان‌های منطقه ای از فرصت‌هایی است که ایران می‌تواند برای مقابله با برتری جویی آمریکا در محیط امنیتی خود از آن استفاده نماید. سازمان‌های منطقه ای دارای ویژگی‌هایی مانند اتفاق نظر بیش‌تر، حمایت بیش‌تر، حل و فصل مؤثر منازعه و محدود بودن قدرت‌های مداخله‌گر می‌باشند (میر محمد، ۱۳۷۶: ۳۷) که کشورهای عضو را در بهبود امنیت منطقه ای خود یاری می‌دهد. از آنجایی که سازمان همکاری شانگهای یک پیمان منطقه ای است که دارای کارکرد‌های امنیتی است، ایران می‌تواند از اصول، اهداف و زمینه‌های همکاری امنیتی-

سیاسی در این سازمان برای ارتقاء امنیت منطقه ای خود استفاده نماید، از جمله این اصول و اهداف می توان به موارد زیر اشاره کرد :

۱- مقابله با «سه نیروی شیطانی»، یعنی تروریسم، جدایی طلبی و افراطی گری. در واقع SCO یک سازمان بین المللی است که صراحتاً هدف اصلی خود را مبارزه با سه نیروی شیطانی مذکور اعلام کرده است. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۹۵ - ۹۹). از آنجایی که ایران در سطح ملی و منطقه ای با این سه چالش امنیتی مواجه است، پیوستن به این سازمان که یکی از اهداف اصلی آن مقابله با این سه نیرو است موجب بهبود محیط امنیتی ایران خواهد شد.

۲- تقویت اعتماد متقابل، دوستی و حسن همجواری میان کشورهای عضو برای تثبیت همکاری های چند وجهی در نگهداری و تقویت صلح و امنیت و ثبات در منطقه و کمک به ایجاد دموکراسی نوین، نظم عادلانه اقتصادی و سیاسی بین المللی.

۳- تشویق همکاری های منطقه ای در زمینه های مختلف سیاسی، تجاری، اقتصادی، دفاعی.

۴- تقویت همکاری با سایر کشورها و سازمان های بین المللی، همکاری در زمینه ممانعت از منازعات بین المللی و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات. و همچنین همکاری برای حل مشکلاتی که جهان در قرن ۲۱ با آن مواجه خواهد بود. عمل کردن به این اصول سازمان موجب می شود ایران از انزوای سیاسی تحمیلی ایالات متحده خارج شود.

۵- احترام متقابل به حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی دولت ها و خطوط مرزی، اجتناب از سیاست تهاجمی، عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها، عدم به کارگیری زور و تهدید در روابط بین الملل، عدم استفاده از نیروی نظامی برتر یک جانبه.

۶- حفظ صلح و افزایش امنیت و اعتماد در منطقه.

علاوه بر این، وجود اهداف و منافع مشترک میان ایران و کشورهای قدرتمند عضو سازمان در منطقه آسیای مرکزی فرصت دیگری را در اختیار ایران قرار می دهد، تا با عضویت در این سازمان، امنیت ملی و منطقه ای خود را ارتقا ببخشد. از جمله مهم ترین این اهداف مشترک می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تلاش برای ایجاد جهان چند قطبی و مقابله با هژمونی آمریکا از طریق همکاری های منطقه ای.

۲- تلاش برای کاهش مؤثر نفوذ غرب به ویژه آمریکا و ناتو در آسیای مرکزی که تهدیدی استراتژیک برای منافع ملی اعضای سازمان (چین، روسیه و ایران) به حساب می آید. در خواست تعیین زمان برای خروج نیروهای آمریکایی مستقر در آسیای مرکزی در نشست سران این سازمان در سال ۲۰۰۵ و همچنین پذیرش عضو ناظر ایران در این سازمان در همین سال (طالبی فر و پاسکیابی، ۱۳۸۷: ۸۹) را می توان در این راستا تحلیل کرد.

۳- تقویت یکی از آسیب پذیرترین محیط های پیرامونی و امنیتی سه کشور چین، روسیه و ایران در آسیای مرکزی و تلاش برای صلح و ثبات منطقه ای.

۴- ایجاد محیط امن پیرامونی جهت تمرکز بیش تر بر فعالیت های اقتصادی و همچنین جلب بیش تر همکاری های اقتصادی و سیاسی کشورهای آسیای مرکزی.

۵- تلاش برای ایجاد یک بلوک سیاسی جدید و تقویت وجهه و پرستیژ بین المللی خود.

در مجموع می توان گفت عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای که دارای منابع تهدید متعدد منطقه ای و فرامنطقه ای در محیط پیرامونی خود می باشد موجب ارتقاء وضعیت محیط امنیتی آن خواهد شد.

نتیجه گیری

ایران در جنوب غربی آسیا و در میان ۵ حوزه ژئوپلیتیکی قرار گرفته است. تعدد همسایگان و حوزه های ژئوپلیتیکی پیرامونی با تهدیدات امنیتی شرایط ناپایداری را در محیط امنیتی ایران ایجاد کرده است. علاوه بر این، حضور و نفوذ قدرت فرامنطقه ای آمریکا در کشورهای همسایه و حوزه های ژئوپلیتیکی پیرامون تهدیدات امنیتی ایران را در این مناطق شدت بخشیده است. از جمله سیاست های آمریکا در مناطق پیرامونی که امنیت ملی و منطقه ای ایران را تهدید می کند می توان به تحریک قومیت ها، حمایت و پشتیبانی از گروهک های تروریستی، حضور نظامی در کشورهای همسایه، کنترل و انحراف مسیرهای انتقال انرژی از مسیری به جز ایران، حمایت از ادعاهای اراضی کشورهای همسایه (امارات در ارتباط با جزایر سه گانه) اشاره کرد. در این شرایط شکل گیری سازمان همکاری شانگهای با کارکردهای امنیتی به مرکزیت آسیای مرکزی فرصتی را در اختیار این کشور قرار داده است که با استفاده از پتانسیل های مختلف این سازمان ویژگی های محیط امنیتی خود را بهبود ببخشد.

به طور کلی پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای به دلایل زیر می تواند در بهبود امنیت منطقه ای آن مؤثر باشد:

۱- ایران دارای محیط پر چالشی است و این در حالی است که اکثر همسایگان ایران دارای نوعی ضمانت امنیتی توسط یک قدرت منطقه ای یا فرا منطقه ای می باشند یا در یک سازمان امنیتی عضویت دارند. اما ایران تنها کشوری است که فاقد هم پیمان استراتژیک در سطح منطقه و خارج آن است و همچنین در هیچ سازمان امنیتی عضویت ندارد. ایران با پیوستن به سازمان همکاری شانگهای که دارای ویژگی ها و کارکردهای امنیتی می باشند می تواند نوعی چتر حمایتی برای خود ایجاد کند و از تهدیدات امنیت منطقه ای خود بکاهد.

۲- در حالی که سیاست خارجی ایران و غرب (آمریکا و اروپا) دچار روابط متشنج و پر تهدیدی با یکدیگر است، تغییر رویکرد سیاست خارجی ایران از غرب به شرق و تقویت نگاه به شرق و کشورهای آسیایی می تواند از انزوای سیاسی و تهدیدات امنیتی غرب علیه ایران بکاهد.

۳- از آنجایی که کشورهای آسیای مرکزی قلب سازمان همکاری شانگهای را تشکیل می دهند، عضویت در این سازمان ایران را به یک بازیگر فعال در کنار روسیه و چین در منطقه آسیای مرکزی، به عنوان حوزه ای که از تسلط کامل آمریکا خارج است، تبدیل می کند.

۴- پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای و کمک در عملکرد موفق این سازمان در ایجاد ثبات سیاسی و امنیتی در منطقه آسیای مرکزی، از ایجاد یک حلقه نا امن استراتژیکی که از حوزه های ژئوپلیتیکی در پیرامون ایران تشکیل شده است جلوگیری می کند و این امر برای ایران که دارای مرزهای طولانی آبی - خاکی با این منطقه است از لحاظ امنیتی مثبت ارزیابی می شود. علاوه بر این، ثبات سیاسی - امنیتی در این منطقه همانند چالش ها و بحران های امنیتی می تواند به سایر حوزه های ژئوپلیتیکی پیرامون منتقل شود و در نتیجه محیط امنیتی ایران را امن تر سازد.

۵- علاوه بر ویژگی های سیاسی - امنیتی، عضویت در این سازمان و همکاری در زمینه های اقتصادی به ویژه ترانزیت و انتقال انرژی کشورهای آسیای مرکزی می تواند سیاست های امریکا در زمینه خارج ساختن ایران از مسیر خطوط لوله و گاز را ناکام سازد و ایران می تواند با استفاده از مسائل مربوط به امنیت انرژی امنیت منطقه ای خود را ارتقا ببخشد.

البته ایران در پیوستن به این سازمان بایستی وابستگی های اقتصادی - سیاسی و وابستگی ژئوپلیتیکی خود را به حوزه های دیگر مدنظر قرار دهد. علاوه بر این، اگرچه دو کشور چین و روسیه با امریکا در پاره ای از مسائل اختلاف دارند، اما دارای منافع و اهداف مشترکی نیز می باشند، بنابراین ایران باید از نگرش جنگ سردی به این سازمان خودداری ورزد.

کتابنامه

- اخوان کاظمی، مسعود. (۱۳۸۵). «سازمان همکاری شانگهای: اهمیت ژئواستراتژیک». *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*. سال پانزدهم. دوره چهارم شماره ۵۵.
- اسمیت، مایکل. برایان ویت و ریچارد لیتل. (۱۳۸۱). *مسائل سیاست جهان*. مترجم: سید محمد کمال سروریان تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.
- امینی، علی. (۱۳۸۵). «تاثیر ژئوپلیتیک در رخوت همگرایی اکو و بالندگی آسه آن». *فصلنامه ژئوپلیتیک*. سال دوم. شماره اول. تهران: صص ۱۵۷-۱۲۲
- جانوس، باربارا. (۱۳۸۶). ترجمه سعید طالبی. «کشورهای آسیای مرکزی در سیاست ناتو: چشم انداز همکاری آینده». *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*. شماره ۵۹.
- جاویدنیا، کیومرث. (۱۳۸۲). *گسترش ناتو به شرق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*. کتاب اروپا (۲) ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا. موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، تهران
- درویشی سه تالانی، فرهاد. (۱۳۸۴). «محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قرن بیست و یکم». *فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی*. سال دوازدهم. شماره ۴۲.
- رضایی، محسن. (۱۳۸۴). *ایران منطقه ای*. چاپ دوم. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. تعداد کل صص ۲۶۳
- رحمان، خالد. (۱۳۸۵). «سازمان همکاری شانگهای: چشم اندازها و فرصت‌ها». *فصلنامه «مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*. سال پانزدهم. دوره چهارم. شماره ۵۵.
- زرقانی، سید هادی. (۱۳۸۷). «عوامل ژئوپلیتیکی موثر بر کارکرد مرز». *فصلنامه راهبرد دفاعی*. سال ششم. شماره بیستم. صص ۱۶۱-۱۳۱
- سوری، امیر محمد. (۱۳۸۶). *ماهنامه تحولات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز*.
- شکاری، عبدالقیوم. (۱۳۸۵). «مبارزه با تروریسم و جنبه های متعارض آن در آسیای مرکزی». *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*. شماره ۵۶.
- شربانی، قوام. (۱۳۸۷). *امنیت ایران و رویکرد ناتو در آسیای مرکزی*. چاپ اول. مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه. تهران: صص ۹۳.
- عزتی، عزت ا... کیومرث، یزدان پناه درو. (۱۳۸۶). «تحلیلی بر ژئوپلیتیک پیمان اقتصادی _ امنیتی شانگهای با تاکید بر چشم انداز عضویت ایران در این سازمان». *فصلنامه ژئوپلیتیک*. سال سوم. شماره سوم.
- طالبی فر، عباس. جعفری پاسکایی، سیاوش. (۱۳۷۸). *سازمان همکاری شانگهای و موضوع عضویت جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- کامران، حسن، کریمی پور، یدالله. (۱۳۸۱). «جهانی شدن، منطقه گرایی و دولت-ملت‌ها». *فصلنامه پژوهش های جغرافیایی*. شماره ۴۲.
- کریمی پور، یدالله. (۱۳۷۹). *مقدمه ای بر ایران و همسایگان*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی. تربیت معلم. تهران.
- کلود، اینیس ال. (۱۳۸۲). *سازمان های بین المللی*. مترجم منوچهر شجاعی. انتشارات کتاب نو. تهران.

- متقی، ابراهیم. (۱۳۸۵). *آمریکا؛ هژمونی شکستنده و راهبرد جمهوری اسلامی ایران*. نامه دفاع. مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- متقی، ابراهیم. (۱۳۸۸). *آمریکا در برابر ایران*. نامه دفاع. شماره پیاپی ۱۹. شماره اول.
- مجتهد زاده، پیروز. (۱۳۷۹). *ایده های ژئوپلیتیک و واقعیت های ایرانی*. چاپ اول. تهران: نشر نی. تعداد کل ص ۴۶۱.
- واعظی، محمود. (۱۳۸۶). *الگوی آسیای امنیت انرژی، مسیری برای همکاری*. نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک راهبرد. شماره ۴۳.
- قاسمی، فرهاد. (۱۳۷۹). «تأثیرات منطقه ای ساختار هژمونیک سیستم بین الملل بر امنیت ملی ایران». *فصلنامه امنیت ملی*. سال اول. شماره ۳، تهران: موسسه مطالعات سیاسی و فرهنگی اندیشه ناب.

<http://www.informationclearinghouse.info/article۱۴۸۶۰.htm>

Oldberg, Ingmar (۲۰۰۷), *The Shanghai Cooperation: Powerhouse or Paper Tiger? Issuing organization FOI-Swedish Defence Research Agency Defence Analysis SE-۱۶۴ Stockholm.*